پژوهشنامه خراسان بزرگ

شماره ۳۳ زمستان ۱۳۹۷

No.33 Winter 2019

۶۲-۴۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۵

نقش مؤسسات خیریه داخلی و خارجی در رفع بحرانِ قحطی مشهد در دورۀ جنگ اول جهانی

➢ **علی نجف زاده :** دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه فردوسی مشهد (anajaf@birjand.ac.ir)

➢ **جلیل قصابی گزکوه:** دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

جنگ اول جهانی (۱۳۳۶-۱۳۳۲ق/۱۹۱۸-۱۹۱۴م) گرچه در اروپا آغاز شد، اما دامنۀ آن به‌تدریج به دیگر نقاط جهان، ازجمله ایران رسید. بااینکه دولت ایران اعلام بی‌طرفی کرد، اما دولت‌های درگیر در جنگ موضع ایران را نادیده گرفتند و بخش‌های زیادی ازجمله مشهد به اشغال نظامی نیروهای متجاوز درآمد. حضور اشغالگران علاوه بر آسیب به امنیت و اقتصاد ایران، سبب بروز قحطی و شیوع انواع بیماری‌ها در مشهد شد که مرگ افراد بی‌شماری را به دنبال داشت. مشهد ابتدا به اشغال روس‌ها درآمد، ولی پس از انقلاب بلشویکی، نیروهای روسی از مشهد خارج و انگلیسی‌ها جایگزین آنان شدند. در این دوره، قحطی شدیدی در مشهد به وجود آمد و وضعیت زندگی مردم بحرانی شد. در این بحبوحه، مؤسسات خیریه داخلی و خارجی به‌منظور کنترل مشکلات و کاهش فشار اقتصادی و معیشتی به اقداماتی پرداختند. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که مؤسسات خیریه داخلی و خارجی در ایام قحطی در مشهد چه نقشی در رفع بحران قحطی طی سال‌های جنگ اول جهانی داشته‌اند؟ یافته‌های پژوهش با استفاده از روشِ تحقیقِ تاریخی (از نوع توصیف و تحلیل) و با تکیه‌بر منابع اسنادی و مطبوعات نشان می‌دهد مؤسسات خیریه داخلی ازجمله دارالعجزه و دارالمساکین همگام با مؤسسات خیریه خارجی مانند هیئت هوسکاران قفقازی، میسیون‌های آمریکایی و کنسولگری انگلیس با ایجاد سرپناه، جمع‌آوری اعانه و اطعامِ جمعیت کثیری از فقرا و مستمندانِ مشهد در فرایند کاهش، کنترل و تا حدی رفع بحرانِ قحطیِ مشهد در سال‌های جنگ جهانی اول، نقش مهم و بسزای داشتند.

واژگان کلیدی: ایران، دوره قاجار، جنگ اول جهانی، مشهد، قحطی، مؤسسات خیریه

Abstract

The aftermaths of the First World War (1914-1918) which originated in Europe, gradually influenced many countries including Iran. Although the Iranian central government declared its neutrality to avoid entanglement in the First World War, the allied powers, dismissed Iran's stance and imposed military occupation on considerable parts of Iran's territory, including Mashhad. The presence of these occupying forces in Iran damaged national security and economy; moreover, it led to famine and incidence of several diseases causing the death of numerous people in Mashhad. Mashhad was initially occupied by Russian forces, though, after the Bolshevik Revolution, Russian forces left Mashhad and British forces replaced them. During this period a serious famine occurred in Mashhad and people encountered critical life. Meanwhile, national and foreign charities began to control the economic problems and reduce life pressure. The present research aims to seek the role of national and foreign charities in resolving the famine crisis in Mashhad during the years of World War I. A descriptive-analytical approach was adopted for the historical research methodology along with the use of documentary and press sources; the findings revealed that both national charities like Dar-ul-Ajazah And Dar-ul-Masakeen, along with foreign charities like Caucasian Huscar community, American mission, and British consulate, through providing shelter, collecting donations and feeding a large population of poor and needy people, had a significant effect on decreasing, controlling, and partly eliminating the famine crisis in Mashhad during world war I.

Keywords: Iran, Qajar period, First World War, Mashhad, Famine, Charity institutions

*نویسنده مسئول مکاتبات: جلیل قصابی گزکوه (ghasabian60@gmail.com)

مقدمه

پیش از شروع جنگ اول جهانی در سال‌های ۱۳۳٦-۱۳۳۲ق/۱۹۱۸-۱۹۱٤م حاکم خراسان، سلطان حسین‌میرزا نیرالدوله بود و با شروع جنگ، ناصرالدین‌میرزا پسر مظفرالدین‌شاه (حک: ۱۳۲٤-۱۳۱۳ق/ ۱۹۰۵-۱۸۹٦م) و سپس کامران‌میرزا نائب‌السلطنه، به حکومت خراسان رسیدند. با شدت گرفتن جنگ اول جهانی، روس‌ها در تابستان ۱۳۳۲ق/۱۹۱٤م وارد مشهد شدند و دامنهٔ فعالیت خود را تا منطقه قاینات توسعه دادند. وضعیت دولت، قبل از ۱۳۳۳ق/۱۹۱۵م به‌قدری آشفته بود که حتی به میل خود نمی‌توانست حکمران و والی برای خراسان تعیین کند (مدرس‌رضوی، ۱۳۷۸: ۲۳٤). ناامنی در مناطق اطراف مشهد به‌سرعت افزایش یافت و «خراسان در آتش قحطی و ناامنی مشغول سوختن بود» چون جنگ باعث انسداد راه‌ها و فقدانِ آذوقه و ناامنی شده بود (شرق ایران، ۱۳۳٦ق: س۳، ش۷، ص۱). حضور نیروهای نظامی روس و انگلیس در مسیر راه‌های منتهی به مشهد باعث کمیابی کالا و اثاثیه زندگی و مسدود شدنِ راه‌ها شد (چمن، ۱۳۳۵ق: س۲، ش٦۳، ص۱). علاوه بر این، اشرار و سارقین داخلی، سبب بروز ناامنی در راه‌های مواصلاتی مشهد شدند و در انتقال مواد غذایی به شهر مشکلات عمده‌ای را به وجود آوردند. در این میان، بروز خشکسالی و کاهش محصولات کشاورزی مزید بر علت بودند. البته اوضاع سایر نقاط ایران بهتر از مشهد نبود. کمبود وسایل حمل‌ونقل بر دامنه قحط و غلا می‌افزود، همان‌طور که در جمادی‌الاول ۱۳۳٦ق/۱۹۱۸م به سببِ کمبود وسایل حمل‌ونقل در ایران قحط و غلا شدت یافت. به همین واسطه، اگر در منطقه‌ای هم وفور غلات و کالا بود، حمل آن غیرمقدور بود. همین امر باعث گردید تا اغلب شهرهای ایران با قحطی مواجه شده و «فریاد الجوع الجوع بلند و خلق خدا فنا شدند» (عین‌السلطنه، ۱۳۷۸: ۵۰۵۵/۷). عین‌السلطنه وضعیت قحطی خراسان را مقارن سال۱۳۳٦ق/۱۹۱۸م «بغایت دشوار» توصیف کرده است (همان: ٤۹۷۹/۷). علاوه بر این، در بخش‌های زیادی از ایران کمبود ارزاق عمومی و افزایش قیمت به سبب حضور قوای بیگانه، بدی وضع راه‌ها و کمبود وسایل حمل‌ونقل، احتکار و ایجاد کمبود مصنوعی، ناتوانی حکومت مرکزی در تعیین و تثبیت قیمت‌ها (ترابی‌فارسانی،۱۳۷۰: ۳) ایران را به‌سوی قحطی سوق می‌داد. کامران‌میرزا والی خراسان نیز طی دو سال حکمرانی‌اش از ۱۳۳٤-۱۳۳۲ق/۱۹۱٦-۱۹۱٤م با مدیریت ضعیف خود اوضاع را بیش از پیش نابسامان کرد (مدرس‌رضوی، ۱۳۷۸: ۲۳٤). در این شرایط، به‌تدریج برخی از دولتمردانِ بانفوذ در مشهد که مؤسسات خیریه منبعث از اقدامات آن‌ها بود و مؤسسات خیریه خارجی باهدف کمک به رفع قحطی، شکل گرفتند. دارالعجزه، دارالمساکین، گرم‌خانه، کمیته اجرائیه و صندوق خیریه قفقازی‌های مقیم مشهد، هیئت هوسکاران قفقازی و هیات خیریه آذربایجان، ازجمله مؤسسات خیریه داخلی و خارجی بودند که طی سال‌های ۱۳۳٦-۱۳۳۲ق/۱۹۱۸-۱۹۱٤. در مشهد تشکیل شدند و کمک‌های قابل‌توجهی به بینوایان و ضعفا کردند.

پیشینه پژوهش

با بررسی‌های انجام‌شده، تاکنون پژوهشگران تاریخ قاجار و پژوهشگران تاریخ محلی خراسان، در مطالعات خود به‌صورت جزئی‌نگر، تصویر روشنی از نقشِ برخی از دولتمردان، مؤسسات خیریه داخلی و خارجی در رفع بحران قحطی مشهد در دورهٔ جنگ اول جهانی عرضه نکرده‌اند. همچنین، جزئیات این مسئله در منابع تاریخ‌نگارانهٔ این دوره انعکاس چندانی نیافته است. مهم‌ترین و نزدیک‌ترین منبع به این وقایع، *سالشمار وقایع مشهد* نوشته محمدتقی مدرس‌رضوی است که در آخرین سال‌های دوره قاجار نوشته شده است. مدرس‌رضوی تنها اشاراتی گذرا به قحطی مشهد دارد. اعظم نظرکرده نیز در مقاله *دارالعجزه مشهد* تنها به روند شکل‌گیری دارالعجزه در مشهد اشاره کرده است. افزون بر این، یوسف متولی‌حقیقی در *تاریخ معاصر مشهد* اشاره‌ای جزئی به گرانی اجناس و قحطی موجود در مشهد در فاصله سال‌های جنگ جهانی اول در مشهد کرده است.

روش پژوهش

باوجود آگاهی‌های موجود و کمبود منابع، پژوهش حاضر با تکیه‌بر مطبوعات مشهد، پاره‌ای از اسناد، پژوهش‌های جدید و منابع تاریخی با روش تحقیق تاریخی (از نوع توصیف و تحلیل) نقش برخی از دولتمردانِ بانفوذ در مشهد، مؤسسات

خیریه داخلی و خارجی را در فرایند کاهش بحرانِ قحطی در مشهد در زمان جنگ اول جهانی موردبررسی قرار داده است.

جنگ جهانی اول و قحطی در مشهد

جنگ اول جهانی علاوه بر تشدید ناامنی، حضور گسترده نیروهای نظامی روسیه و انگلیس در شرقِ ایران به‌ویژه مشهد را به دنبال داشت. روس‌ها و انگلیسی‌ها برای تهیه مایحتاج نیروهای نظامی خود، مقادیر فراوانی غلات را از سرتاسر منطقه خراسان تهیه می‌کردند. این مسئله به کمبود غلات در مشهد و سایر شهرهای خراسان می‌انجامید. علاوه بر این، جنگ اول جهانی باعث انسداد مسیرهای عمده تجاری ازجمله، مسیر تجاری مشهد-روسیه و مسیر تجاری مشهد-افغانستان در فاصله سال‌های ۱۳۳۶-۱۳۳۲ق/۱۹۱۸-۱۹۱۴م شده بود. انقطاع راه‌های تجارتی، فقدان آذوقه و کمبود ارزاق عمومی را به دنبال داشت. به‌گونه‌ای که فریاد فقرا و ناله ضعفاء برای تهیه نان در مشهدِ «پریشان و ناامن» در خبازخانه‌ها بلند شده بود (شرق ایران، ۱۳۳٦ق: س۳، ش۷، ص۱). وضعیت مشهد در زمانِ جنگ یعنی از ۱۳۳۲ تا ۱۳۳٦ق/ ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸م به‌واسطه کمبود مواد غذایی و احتکار گندم دچار قحطی سخت و شدید و شیوع بیماری‌های عمومی شده بود که برخی از آن به «وضعیت مخوف» یادکرده‌اند (مدرس‌رضوی، ۱۳۷۸: ۲۳۴). کمبود گندم و نان به‌عنوان منبع اصلی غذای مردم به‌ویژه فقرا و نیازمندان و ذغال برای گرمایش در زمستان ۱۳۳۴ق مردم مشهد را با شرایط سختی مواجه کرد (چمن، ۱۳۳۴ق: س۲، ش٦، ص۱). کمبود نان و گرانی آن در سال ۱۳۳۵ق. نیز در برخی مطبوعات نمودِ عینی‌تری پیدا کرده است. علاوه بر احتکار غلات (چمن، ۱۳۳۵ق: س۲، ش۸۵-۸۴، ص۳) کمبود نزولات آسمانی و بارش باران، عامل دیگری بود که خبازخانه‌ها را با کمبود گندم برای پختِ نان مواجه ساخت (بهار، ۱۳۳٦ق: س۲، ش۱، ص۲) کمبود گندم به افزایش قیمت نان در شعبان ۱۳۳۵ق/ ۱۹۱۷م انجامید و افزایش قیمت نان، نیازمندان، ضعفا و فقرای مشهد را به «جان آورده بود»(چمن، ۱۳۳۵ق: س۲، ش۹۱، ص۱). قیمت گندم، نان و سایر اقلام مصرفی مانند گوشت، جو، قند و دیگر کالاها در بیشتر ماه‌های سال ۱۳۳٦ق افزایش چشمگیری داشت. به‌عنوان نمونه، گندم از هر خروار ۲۵ تومان به هر خروار ۳٦ تا ۳۷ تومان افزایش یافت (بهار، ۱۳۳٦ق: س۲، ش۵، ص۴). گرانی اجناس و قحطی که از سال‌های اولیه جنگ در سرتاسر ایران شیوع یافته بود، در مشهد به منتهی درجه رسیده بود. عدم امنیت و کمبود ارزاق عمومی در صفر ۱۳۳٦ق مشهد را در وضعیت «حیرت‌آور» قرار داد به‌طوری‌که «دسته‌دسته زن و مرد در خیابان‌ها و کوچه‌ها دادِ گرسنگی داده با اطفال در بغل گِرد شهر می‌گشتند». تا جایی که در برخی از محلات مشهد چند نفر از شدت فقر و گرسنگی تلف شدند. قحط و غلا در مشهدِ زمانِ جنگ اول جهانی، فرد فردِ فقرا و نیازمندان را به کام مرگ بُرد (شرق ایران، ۱۳۳٦ق: س۳، ش۱۲، ص۱). وضعیت قحطی در سال ۱۳۳٦ق /۱۹۱۸م به‌گونه‌ای بود که در معابر و کوچه‌ها «همیشه عده‌ای از فقرا و مساکین با رنگ پریده و لب‌های کبود شده و شکم‌های به پشت چسبیده از شدت گرسنگی افتاده و ناله دلخراش سر می‌دادند» (شرق ایران، ۱۳۳٦ق: س۳، ش۴۰، ص۱). کمبود ارزاق عمومی، افزایش قیمت ارزاق عمومی به‌ویژه گندم و نان، شیوع بیماری‌های مسری، خشکسالی و مسدود شدنِ راه‌های تجاری سبب شده بود مشهد با بحران قحطی مواجه گردد. از این‌رو گروهی از متمولین، منورالفکران، علما، اصناف، تجار تبریزی مقیم مشهد و مهاجران خارجی مشهد مانند قفقازی‌ها، میسیون‌های آمریکایی و کنسولگری انگلیس در مشهد برای رفع بحران قحطی با امکانات موجود، اقدام به تأسیس مؤسسات خیریه کردند تا با پرداخت اعانه، دادنِ وعده‌های غذایی به‌صورت روزانه در رفع گرسنگی و جلوگیری از مرگ‌ومیر فقرا و نیازمندان مشهد در راستای کاستن از حجم بالای بحران قحطی کمک کنند. هرچند که اقداماتی از قبیل تأسیس دارالعجزه و دارالمساکین برای کمک به فقرا امیدوار کننده بود اما نمی‌توانست به بحران قحطی و اوضاع ناگوارِ مشهد خاتمه دهد چراکه این دست از فعالیت‌های بشردوستانه و خیریه تنها توانست از اتلاف نفوس در سطوح گسترده جلوگیری نماید.

مؤسسات خیریه داخلی

با وقوع قحطی فراگیر در مشهد در ایام جنگ اول جهانی (۱۳۳٦-۱۳۳۲ق/۱۹۱۸-۱۹۱۴م)، تلاش‌های زیادی از جانب مردم و برخی از دولتمردانِ در مشهد ازجمله

محقق‌الدوله (کارگزار مشهد)، ظهیرالاسلام (نائب‌التولیه آستان قدس)، قوام‌السلطنه (والی خراسان)، برخی از اصنافِ مشهد و هیئت آذربایجانی‌های مقیم مشهد انجام گرفت. آن‌ها با تأسیس دارالعجزه، دارالمساکین و سایر مؤسسات خیریه در مشهد توانستند تا حدودی بحرانِ قحطی را کنترل کنند و به مردم قحطی‌زده کمک رسانند.

دارالعجزه

تلاش خودجوش و پراکنده اشخاص حقیقی و حقوقی جهت تشکیل یک دارالعجزه برای کمک به رفع بحران قحطی در مشهد از اقدامات مهم و انسان دوستانه در اواخر سال ۱۳۳۲ق/۱۹۱٤م بشمار می‌رود. حاج سید جواد ظهیرالاسلام (جواد الحسینی)، داماد مظفرالدین‌شاه و نائب‌التولیه آستان قدس، از پیشگامان تأسیس دارالعجزه در مشهد بود. ظهیرالاسلام دو مرتبه یعنی از ربیع‌الاول ۱۳۳٤ تا شوال ۱۳۳۵ق/۱۹۱۷-۱۹۱٦م و از سال ۱۳۳۹-۱۳۳۸ق/۱۹۲۰-۱۹۱۹م نائب‌التولیه آستان قدس رضوی بود. (کاویانیان، ۱۳۵۵: ٤۳٦؛ سلیمانی، ۱۳۷۹: ۱۰٦). وی تشکیل دارالعجزه مشهد را در سال ۱۳۳٤ق/۱۹۱٦م به شاهزاده محمدهاشم میرزا و حاج مرتضی میرزا قهرمان[1] پیشنهاد کرد تا با تأسیس یک باب دارالعجزه در مشهد و تهیه لوازم آن توسط شرکت خیریه فرهنگ به مردم در زمان وقوع قحطی خدمات ضروری ارائه کنند. قرار بود آن شرکت یک برنامه و نظام‌نامه صحیح با نظر جمعی از معارف خواهان و نوع‌پرستان بنویسد و بر اساس آن اقدام کنند. ظهیرالاسلام (جواد الحسینی) نیز وعده داد هر چه از وی بخواهند حاضر است از طرف آستان قدس یا به‌طور شخصی، همراهی و مساعدت کند. اما با مسافرت شاهزاده محمدهاشم میرزا از مشهد و نبودنِ مساعدت یک هیات، پیشنهاد مزبور پیگیری نشد و به سرانجام نرسید (چمن، ۱۳۳۵ق: س۲، ش۵۸، ص۳-۲). در سال ۱۳۳۳ق/۱۹۱۵م که شرایط معیشتی مردم نامناسب بود و شرایط اقلیمی در مشهد سخت‌تر شد، ضرورت بیشتری برای دایر کردن دارالعجزه احساس شد.

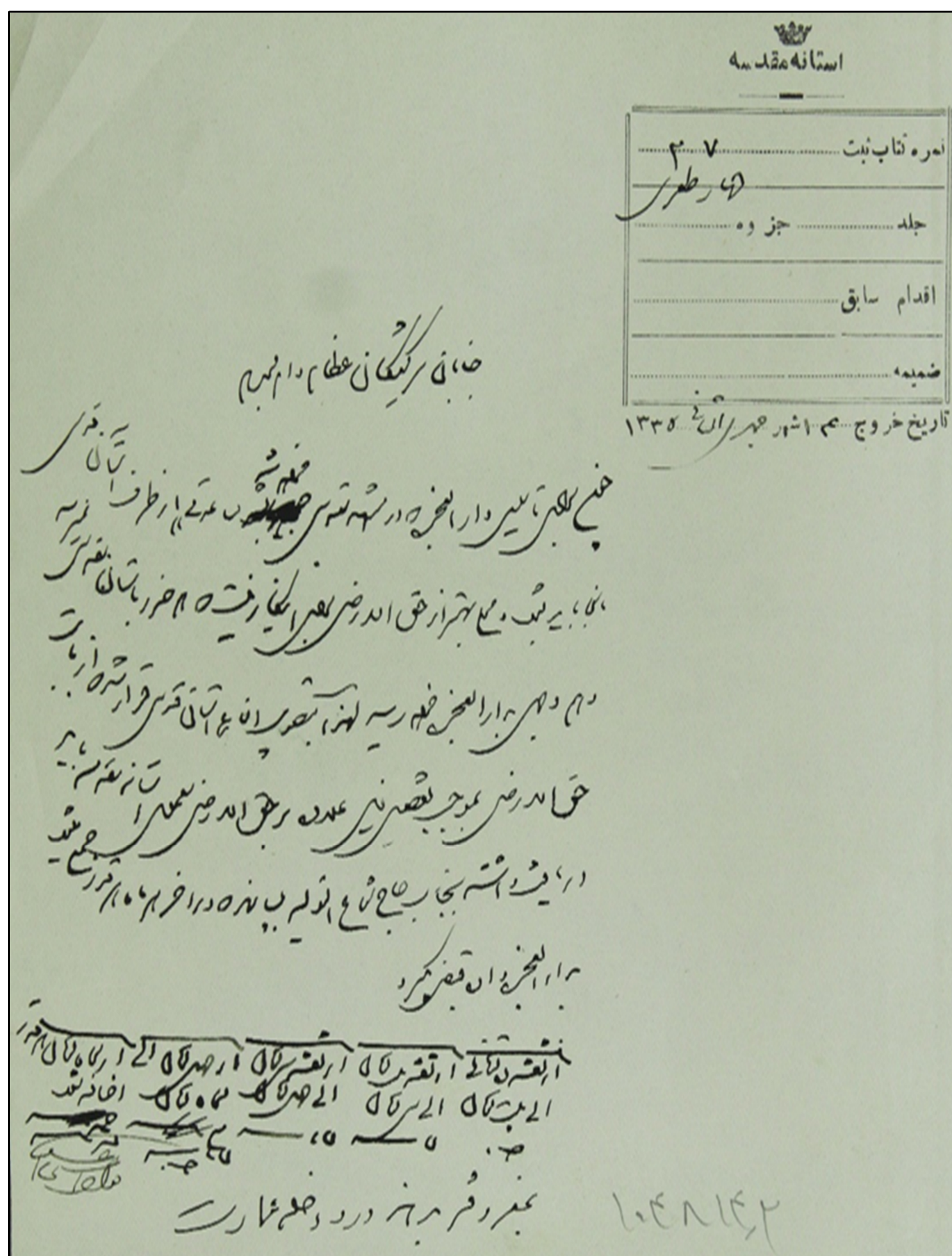
مطبوعات مشهد نظیر روزنامه آگاهی، مینو و چمن از اواسط ذیقعده ۱۳۳۳ق/۱۹۱۵م بیشتر به مسئله تأسیس دارالعجزه پرداختند. اسد آقا زوارزاده تبریزی (زوّار) پس از اینکه شرحی در روزنامه مینو راجع به تشکیل دارالعجزه تحت امر ظهیرالاسلام، متولی باشی آستان قدس و محقق‌الدوله، کارگزار خارجه خراسان، مطالعه کرد، اظهار داشت: یگانه وسیله‌ای که در چنین شرایط سختی می‌تواند جامعه را احیاء کند؛ رفع گرسنگی، حراست از سرما و مسئله حفظ‌الصحه عابرین است. وی پیشنهاد داد: «بهتر است آقایانی که دنبال اقدامات خیر هستند خیالات متعالی تولیت را تقویت کنند» (چمن، ۱۳۳۵ق: س۲، ش۵۷، ص۱).

ظهیرالاسلام (جواد الحسینی) نیز در ربیع‌الثانی ۱۳۳۵ق/ فوریه ۱۹۱۷م ضمن اظهار خوشحالی در توجه به همنوع، مسائل عام‌المنفعه، تشویق به دستگیری درماندگان و اعانه به فقرا از قبیل تأسیس دارالعجزه یا اخذ اعانه برای امور خیریه و معارف اعلام کرد، همچنان که سال گذشته به شرکت فرهنگ پیشنهاد داده، حاضر است در تأسیس یک باب دارالعجزه کمک کند، مشروط برآنکه شرکت فرهنگ با مساعدت و هم‌فکری برخی از نوع‌پرستان نظیر محقق الدوله و سایرین نظامنامه‌ای اساسی بنویسد، در این صورت وی اولین کسی خواهد بود که اقدام به مساعدت خواهد کرد (چمن، ۱۳۳۵ق: س۲، ش۵۸، ص۳-۲). با این تبلیغات در ١٤ربیع‌الثانی ۱۳۳۵ق/ ۱۹۱۷م جلسه‌ای در دارالتولیه برای بررسی موضوع دارالعجزه تشکیل شد و هر یک از اجزاء مجلس در حد توان خود جهت کمک به دارالعجزه اعلام آمادگی کردند (چمن، ۱۳۳۵ق: س۲، ش٦١، ص۲). ظهیرالاسلام نیز در ۱۰ جمادی‌الاول ۱۳۳۵ق/۱۹۱۷م منابعی ازجمله یک‌دهم (عشر) حق‌التولیه، موقوفات آستان قدس و حق‌الارض دفن اموات در آستان قدس را برای کمک به

---

۱. حاج مرتضی میرزا قهرمان فرزند حاج محمد میرزا، متخلص به شکسته از شاهزادگان قاجار بود که به سال ۱۲۹۸ق/ ۱۸۸۱م در روستای ازغند تربت‌حیدریه متولد شد. از اعضای حزب دموکرات مشهد بود و بعد از عزل نیرالدوله، کفالت ایالت خراسان را بر عهده گرفت و مدتی حاکم گناباد و سپس سرخس شد. سپس نماینده ایران در کمیسیون آب‌های سرحدی روسیه، متصدی بازسازی مقبره نادرشاه و رئیس بلدیه مشهد شد و در ۱۹ شهریور ۱۳۲۳ش/ ۱۹۴۴م در تهران درگذشت (گلشن‌آزادی،۱۳۷۳: ۳۲۳؛ شهوازی، ۱۳۸۲: ۸۰؛ رعد، س۱۰، ش۱۴۴، ص۳).

تأسیس دارالعجزه در نظر گرفت (ساکماق، شماره بازیابی: ۱۰۴۸۱۴، ص۱). وی در این رابطه در ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۳۵ق /۱۹۱۷م به همه سرکشیکان آستان قدس دستور داد «هرماه، وجوه حق‌الارض اموات را برای مصارف دارالعجزه» که از ده تومان تا شصت تومان متغیر بود، به حاجی شجاع‌التولیه (صاحب‌جمعِ روشنایی آستان قدس) تحویل داده شود (ساکماق، شماره بازیابی: ۱۰۴۸۱۴، ص۲).


آستانه مقدسه

نمره کتاب ثبت ۲۰۷

جلد .... جزوه ....

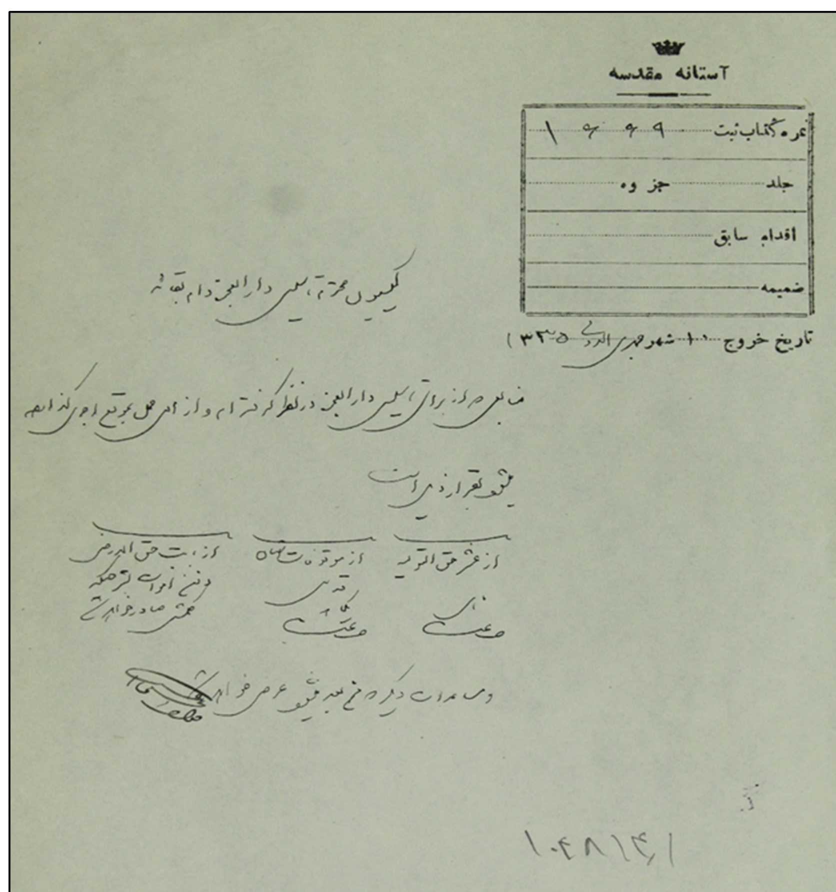
اقدام سابق

ضمیمه

تاریخ خروج ... شهر جمادی الثانی ۱۳۳۵

۱۰۴۸۱۴,۲

دستور تولیت آستان قدس (جوادالحسینی) به سرکشیکان برای اختصاص وجوه حق‌الارض به دارالعجزه (ساکماق، شماره بازیابی: ۱۰۴۸۱۴، ص۲)


آستانه مقدسه

نمره کتاب ثبت ۱۷۶۹

جلد جزوه

اقدام سابق

ضمیمه

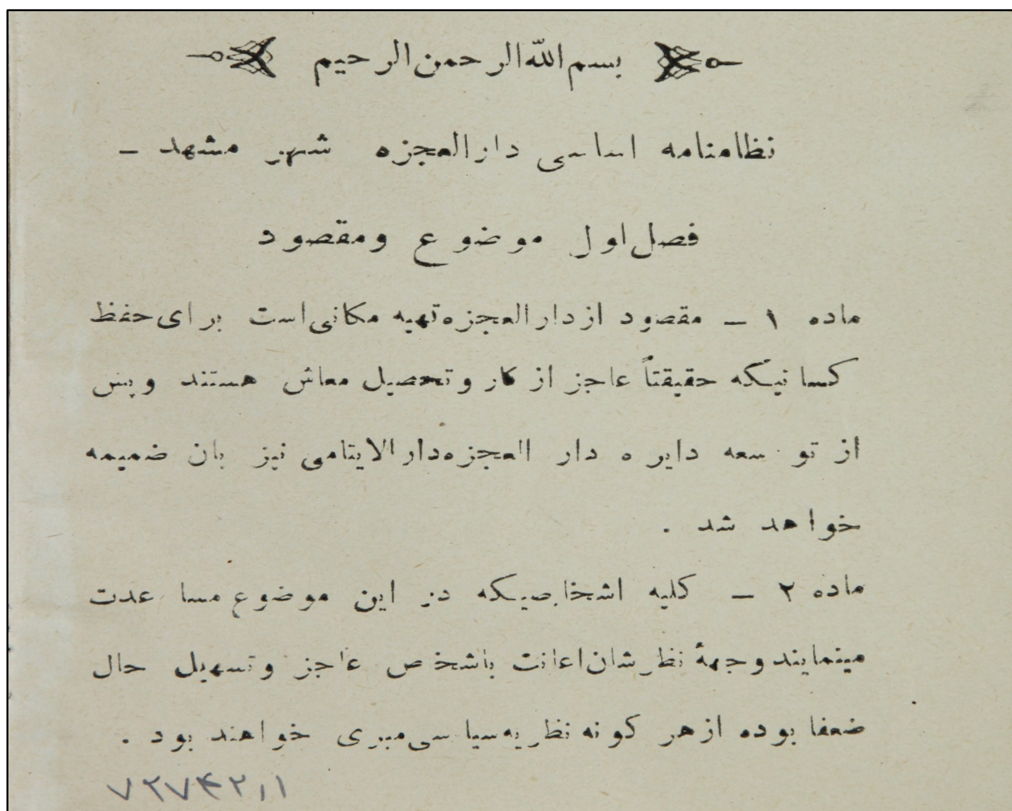
تاریخ خروج ۱۰ شهر جمادی الاولی ۱۳۲۵

منابعی که ظهیرالاسلام برای تأسیس دارالعجزه اختصاص داده بود (ساکماق، شماره بازیابی:۱۰۴۸۱۴، ص۱)

در این جلسه برحسب تقاضای تولیت با روسای ادارات و متفکرین شهر برای تأسیس دارالعجزه مذاکره شد سپس نه نفر ازجمله؛ عبدالکریم محققالدوله (کارگزار خراسان)، معتمدالوزاره (رئیس پست خراسان)، شاهزاده مصطفی میرزا (رئیس معارف)، حاجی محمدجعفر کشمیری (از تجار مقیم مشهد)، مصطفی میرزا بدایع‌نگار آستان قدس، حاجی محمدتقی ناظمِ‌دفتر، مصدق‌الدوله و سید محمد سلطان-العلماء برای نوشتن نظامنامه انتخاب شدند (ساکماق، شماره بازیابی: ۷۲۷۴۲، ص۸؛ چمن، ۱۳۳۵ق: س۲، ش۶۰، ص۱). به‌این‌ترتیب، اساس‌نامه دارالعجزه مشهد در ۵ فصل و ۳۱ ماده در ۲۵ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳ق/ ۱۹۱۵ق تدوین شد (ساکماق، شماره بازیابی: ۷۲۷۴۲، ص۸؛ نظرکرده،۱۳۸۸: ۲۲۷-۲۲۴).

در فصل اول نظام‌نامه، هدف از ایجاد دارالعجزه تهیه مکانی برای مراقبت از کسانی بود که از کار و تحصیل معاش ناتوان بودند (ساکماق، شماره بازیابی: ۷۲۷۴۲، ص۱). فصل دوم اساس‌نامه به نحوهٔ تأسیس و شرایط عضویت در دارالعجزه اشاره کرده است که با مساعدت جمعی از خیرخواهان مشهد به‌صورت هیاتی متشکل از سه نوع عضو مؤسس، امدادی و افتخاری تأسیس شده است. اعضای مؤسس حداقل ۲۵ تومان برای تأسیس پرداخت می‌کردند. اعضای افتخاری می‌توانستند اعانه‌ای پرداخت نکنند ولی در ماه باید ۲ تومان شهریه می‌دادند، اما اعضای امدادی می‌بایست در ماه حداقل ۵ قران شهریه می‌دادند (ساکماق، شماره بازیابی: ۷۲۷۴۲، ص ۳-۲). فصل سوم اساس‌نامه، هیات مدیره و تکالیف آن‌ها را معین می‌کرد که از میان اعضای موسسه با اکثریت آراء به‌طور مخفی برای مدت یک سال انتخاب می‌شدند (ساکماق، شماره بازیابی: ۷۲۷۴۲، ص۳). فصل چهارم به منابع عایدات و ترتیب محاسبات اختصاص داشت. در این فصل از اعانه‌های فوق‌العاده، شهریه، صندوق‌های اعانه که در سطح شهر توزیع شده بودند و مبلغی از عواید دولت یاد شده است که وجوه جمع‌آوری‌شده تحویل یکی از بانک‌های مشهد یا یکی از تجارت‌خانه‌های معتبر مورد اعتماد عمومی می‌شد تا به‌موقع

هزینه شود (ساکماق، شماره بازیابی: ۷۲۷۴۲، ص٦). یک‌دهم کلیه وجوه عایدی در صندوق برای اتفاقات فوق‌العاده جمع‌آوری می‌شد و هیئت‌مدیره هرماه صورت جمع و خرج دارالعجزه را به عموم اعضای موسسه ارائه می‌داد (ساکماق، شماره بازیابی: ۷۲۷۴۲، ص۷). علاوه بر این، مدیران دارالعجزه بر اساس نظامنامه داخلی و با نظر هیئت‌مدیره انتخاب می‌شدند (چمن، ۱۳۳۵ق: س۲، ش٦٦، ص۲؛ نظرکرده، ۱۳۸۸: ۲۲۵).


بسم الله الرحمن الرحیم

نظامنامه اساسی دارالعجزه شهر مشهد –

فصل اول موضوع ومقصود

ماده ۱ – مقصود از دارالعجزه تهیه مکانی است برای حفظ کسانیکه حقیقتاً عاجز از کار وتحصیل معاش هستند وپس از توسعه دایره دار العجزه دارالایتامی نیز بآن ضمیمه خواهد شد .

ماده ۲ – کلیه اشخاصیکه در این موضوع مساعدت مینمایند وجهه نظرشان اعانت باشخص عاجز وتسهیل حال ضعفا بوده از هر گونه نظریه سیاسی مبری خواهند بود .

۷۲۷۴۲،۱

نظامنامه اساسی دارالعجزه مشهد (ساکماق، شماره بازیابی: ۷۲۷۴۲، ص ۱)

عبدالکریم محقق‌الدوله کارگزار خراسان، در سال‌های قحطی از عناصر فعال و بانفوذ در خراسان بود که برای ساماندهی وضعیت مردم قحطی‌زده و فقرا در مشهد تلاش‌های زیادی انجام داد. او پس از عزل معززالدوله در ذیحجه ۱۳۳۴ق/۱۹۱۵م به‌عنوان کارگزار خراسان منصوب و وارد مشهد گردید و از سوی روزنامه چمن «یکی از رجال دانشمند مجرب عصر خود» معرفی شد. روزنامه چمن از ورود چنین شخصی بی‌اندازه خرسند شد (چمن، ۱۳۳۴ق: س۲، ش۱۵، ص۲). روزنامه چمن همچنین در اواخر صفر ۱۳۳۵ق/ دسامبر۱۹۱٦م.محقق الدوله را به‌عنوان یکی از چند نفر مأمور صحیح‌العمل دولت معرفی کرد. دلیل بر این مدعا توجه پادشاه به وی و اعطای یک حمایل سبز و نشان درجه اول بود (چمن، ۱۳۳۴ق: س۲، ش۳۹، ص۳-۲). بر اساس نوشته روزنامه چمن، محقق‌الدوله به خاطر «تقدس اعمال و افعال خود، مصدق‌المله» بودند (چمن، ۱۳۳۵ق: س۲، ش۵۷، ص۱). وی که از مخالفان حضور روس‌ها در خراسان پس از وقوع انقلاب اکتبر بود، از وزارت خارجه، تقاضای خروج روس‌ها از مشهد را کرد. وی با آگاهی از وضعیت موجود در مشهد، تخلیه شهر از قشون روس را خیلی ضروری می‌دانست، زیرا مسئله نان در مشهد فوق‌العاده اسباب زحمت شده بود و این مسئله هرگونه فسادی را به وجود می‌آورد (گزیده اسناد دریای خزر و مناطق شمالی ایران در جنگ جهانی اول، ۱۳۷۴: ۲۴۴).

محقق‌الدوله که یکی از پیشگامان تأسیس دارالعجزه در مشهد بود. گاهی اوقات جلساتی را با حضور سایر اعضاء برای رتق و فتق مسائل دارالعجزه در کارگزاری خارجه برگزار می‌کرد (چمن، ۱۳۳۵ق.: س۲، ش۸۷، ص۱). محقق الدوله در شوال ۱۳۳۵ق/۱۹۱٦م به‌عنوان کفیل ایالت خراسان

کمیسیونی مرکب از پنج نفر تشکیل داد. تصمیمی که در این کمیسیون اتخاذ شد، برگزاری هر روزه جلسات مزبور در کارگزاری خارجه با حضور اعضاء و برای رسیدگی به امورات مهمی ازجمله تأمین گندم برای شهر مشهد بود (شرق ایران، ۱۳۳۵ق: س۲، ش۲۰، ص۲). از دیگر اقدامات مهم محققالدوله در راستای رفعِ بحرانِ قحطی در مشهد تحت کنترل درآوردنِ خبازخانه‌ها بود. در این زمینه، شاهزاده معتمدهمایون نیز از طرف شاهزاده مصطفی‌میرزا (رئیس معارف) تلاش زیادی در زمینه حمل گندم به شهر می‌کرد (شرق ایران، ۱۳۳۶ق: س۳، ش۱۴، ص۳). محققالدوله همچنین از فعالیت‌های فرهنگی و هنری قفقازی‌های مقیم مشهد ازجمله «هیات هوسکاران قفقازی» برای کمک به فقرا کمک می‌گرفت. هیات هوسکاران قفقازی در صفر ۱۳۳۷ق/ ۱۹۱۸م با همکاری «هیات نمایش خورشید» یکی از دو گروه تئاتری مشهد، تئاتر «نادرشاه» را به نفع دارالعجزه مشهد نمایش داد (بهار، ۱۳۳۷ق: س۲، ش۵۹، ص۴) که با استقبال زیادی مواجه گردید و عواید آن را به دارالعجزه و سایر مؤسسات خیریه در مشهد که برای زدودنِ آثار فقر و قحطی تأسیس شده بودند، اختصاص داد.

میرزا عزیزالله کفائی رضوی (۱۳۶۷-۱۲۸۷ق/۱۹۴۸-۱۸۷۰م) مشهور به مروج‌الاحکام از علما و مدرسین آستان قدس رضوی بود (جلالی، ۱۳۸۷: ۳/ ۱۱۰). کفائی رضوی دیگر از پیشگامان تأسیس دارالعجزه در مشهد بود. وی سابقه فعالیتش را برای روزنامه چمن نوشت و اعلام کرد از آغاز فصل سرما تا بهار که شب‌ها خیلی سرد و سرما زیاد بود برای تفتیش و تنظیم امور به دارالعجزۀ واقع در صحن جدید می‌رفت. وی در آنجا سید زائری از اهالی قم را دید که بیرونِ درب دارالعجزه و داخل صحنِ جدید ایستاده بود و به دلیل کثرت جمعیت فقرای مشهد نمی‌توانست داخل شود. عزیزالله رضوی با مشاهده آن وضعیت به فکر افتاد محلی وسیع برای اقامت افراد بی‌پناه تهیه کند و خیالی که دو سه سال قبل داشت را اجرائی نماید. به همین منظور او مصمم شد تا مقبره شرف‌الدین ابوطاهر قمی، وزیر سلطان سنجر، واقع در کنار قبرستان قتلگاه را برای تأسیس دارالعجزه تخلیه و تعمیر نماید. اما در این بین، برخی از مردم ساکن در آن محل، نسبت به تصرفِ زمینِ محلِ احداث دارالعجزه شکایت کردند. آن‌ها درخواست می‌کردند در محل موردنظر نمازخانه احداث شود. افزون بر این، حاجی علی‌اکبر خبازِ خشخاشی که در این زمین دکانِ خبازی و هیزم‌خانه داشت، مشکلاتی در مسیر تصرف زمین برای عزیزالله رضوی به وجود آوردند. سرانجام وی پس از سه ماه تلاش از تشکیل دارالعجزه و خدمت به همنوعان، احساس یاس و ناامیدی نمود (چمن، ۱۳۳۵ق: س۲، ش۶۴، ص۲).

دارالمساکین

باوجود همه تلاش‌های انجام‌شده از طرف برخی از دولتمردان در مشهد، پیگیری برای تأسیس و راه‌اندازی موسسه دارالعجزه در سال۱۳۳۶ق/۱۹۱۸م مسکوت ماند. به نظر می‌رسد یکی از دلایل آن زمان‌بر بودن تأسیس دارالعجزه بود. برخی از دولتمردان که دغدغه معیشت مردم و رفعِ بحرانِ قحطی داشتند، تأسیس دارالمساکین را بجای دارالعجزه مفید دانستند و در این زمینه گام‌های مؤثری برداشتند. طبق گزارش روزنامه شرقِ ایران، در ۸ جمادی‌الاول ۱۳۳۶ق/۱۹۱۸م کمیسیونی در منزل آیت‌الله‌زاده تشکیل شد. در کمیسیون مزبور، تصمیم گرفته‌شده هفت نفر برای جمع‌آوری فقرا انتخاب شوند. تصمیم دیگر کمیسیون انتخاب کاروان‌سرای کوچه چهارباغ به‌عنوان «دارالمساکین» بود. سپس۲۰۰ نفر از فقرای مشهد را در دارالمساکینِ جدیدالتأسیس جمع کردند. در دارالمساکین افتتاح‌شده به هر نفر دو سیر و نیم نان و دو سیر آش در طولِ روز به‌عنوان وعدۀ غذایی می‌دادند. همچنین به هر نفر ده سیر نان و یک سیر کشمش برای تغذیه در شب می‌دادند (شرق ایران، ۱۳۳۶ق: س۳، ش۳۲، ص۲). پانزده روز بعد، یعنی در ۱۶ اسفند گزارشی از سوی دارالمساکین مشهد منتشر شد که نشان می‌داد معتمدالوزاره، رئیس پست ایالتی خراسان، از طرف هیات کمیسیون به مدیریت دارالمساکین انتخاب شده است. این دارالمساکین ظرفیت پذیرایی از حدود ۳۰۰ نفر داشت (شرق ایران، ۱۳۳۶ق: س۳، ش۳۴، ص۲-۱). البته باید در نظر داشت که تشکیل دارالمساکین از اقدامات مقطعی و متناسب با فصلِ سرما بود. بااینکه راه‌اندازی دارالمساکین موردتوجه برخی از متمولین مشهد بود اما در جمادی‌الثانی ۱۳۳۶ق/۱۹۱۸م با پرداخت نشدنِ اعانه توسط آن‌ها و نرسیدنِ مخارج فقرا، یکی از دارالمساکین‌های

شهر منحل شد و همه فقرای مجتمع در آن مکان را اعم از زن، مرد و کودک را در یک مکان خیریه کوچک به‌طور مشترک جایی دادند. کمبود نان و نرسیدنِ غذا در آن مقطع زمانی سبب شده بود هر سه روز یک یا دو نفر از فقرا «دنیا را وداع گفته به دار بقا بروند» (شرق ایران، ۱۳۳۶ق: س۳، ش۳۵، ص۲).

قوام‌السلطنه در اواخر سال ۱۳۳۶ق/۱۹۱۸م به‌عنوان والی خراسان منصوب گردید. خبر انتصاب قوام‌السلطنه موجی از امیدواری در میان اصحاب رسانه‌های مشهد به وجود آورد چراکه معتقد بودند، وی می‌تواند نواقص و مشکلات خراسان را حل‌وفصل کند (شرق ایران، ۱۳۳۶ق: س۳، ش۳۶، ص۱). علت امیدواری مطبوعات مشهد، وخامت اوضاع ارزاق عمومی بود که با شروع جنگ اول جهانی و حضور نیروهای بیگانه در مشهد، قیمتِ ارزاق ترقی پیدا کرده و اهالی را دچار فقر نموده بود. تجربه قحطی سال ۱۳۳۴ق/۱۹۱۵م باعث شد قوام‌السلطنه اقدامات پیشگیرانه‌ای برای ساماندهی وضعیت فقرای مشهد انجام دهد. وی در سرمقاله مفصلی با عنوان «اعانت یتیم، دستگیری مسکین» به وضعیت معیشتی مردم و اقدامات مقدماتی رقت‌انگیزی برای اطفال بی‌پرستار و فقرایی که از کثرت گرسنگی و استیصال مشرف‌به موت بودند و هر روز در معابر و مساجد و انظار عموم ظاهر می‌شدند، اشاره کرد. همچنین اعلام نمود، اینک زمستان نزدیک است و از حالا اثرات آن ظاهرشده و هر شب چند نفر از شدت برودت و جوع تلف می‌شوند. وی تداوم این وضع را برخلاف روح اسلام و موجب انزجار حضرت ختمی‌مرتبت بیان کرد و اثرات سوء آن را دامن‌گیر کسانی دانست که در عین قدرت و داشتن ثروت از دست‌گیری فقرا امساک داشتند (بهار، ۱۳۳۷ق: س۲، ش۲۷، ص۱). قوام‌السلطنه پیشنهاد کرد قبل از رسیدن زمستان و شدت برودت، وسایل کافی برای حفاظت از ایتام و فقرای شهر مشهد فراهم گردد. او برای نیل به این مقصود دستور داد تعداد فقرا و ایتامی که مستحق نگاهداری هستند، شمارش شوند و مجلسی برای برآوردِ حداقل مخارج آن‌ها تشکیل گردد. درنتیجه این اقدامات معلوم شد، تعداد فقرا به‌طور تخمینی هزار نفر و حداقل مخارج سه‌ماهه آن‌ها تقریباً بیست هزار تومان خواهد شد.

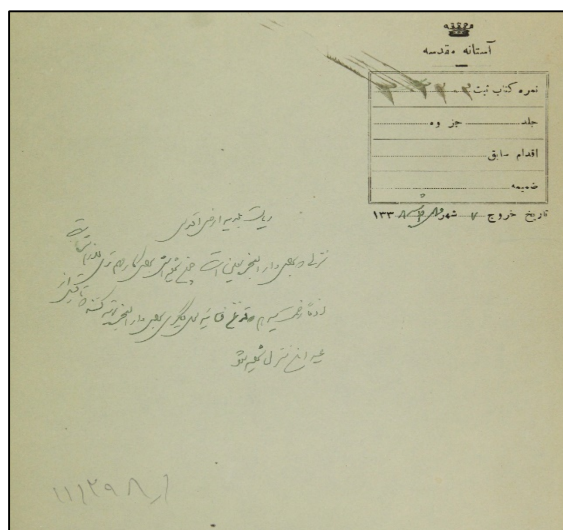
«چون تأدیه این وجه از عهده یک شخص خارج بود، تهیه آن موکول به همت متمولین، اعیان و تجار شهر شد تا همان‌طور که در سال گذشته از روی فتوت، جماعتی را از مرگ نجات دادند، در این سال نیز مساعدت کنند» (بهار، ۱۳۳۷ق: س۲، ش۲۷، ص۱). قوام‌السلطنه به همین جهت از تمام متمولین شهر دعوت نمود که با وی در تکفل و نگاهداری هزار نفر از ایتام و فقرای شهر موافقت کنند و «هر یک به فراخور خود قدری که در قوه دارند، اعانه تقبل نمایند و در دفتر ثبت کنند». قوام‌السلطنه به‌طور موقت «دو هزار تومان از طرف خود اعطا کرد و بقیه را به همت ارباب فتوت موکول نمود» (بهار، ۱۳۳۷ق: س۲، ش۲۷، ص۱).

باوجود این، مذاکرات رسمی همیشه به‌طور کامل به نتیجه نمی‌رسید و موردی از آن تصمیم، جمع‌آوری فقرا بود. روزنامه بهار در شوال ۱۳۳۷ق/ ۱۹۱۸م از برگزاری مجلسی در دارالایاله متشکل از تجار و سایر طبقات برای حمایت از فقرا گزارش داد که مقرر شده بود هر کس جمعی از فقرا را به عهده گیرد. اما این تصمیم آن‌گونه که انتظار می‌رفت عملی نشد. هرچند، برخی افراد در خارج از آن مجلس، تصمیم گرفتند دست به اقدامات عملیاتی بزنند. برای نمونه، حاج ملاهاشم از متمولین مشهد، در زمستان۱۳۳۷ق/ ۱۹۱۸م با شروع فصلِ سرما، گرمخانه‌ای در کوچه میرزا شهاب واقع در بالا خیابانِ مشهد تأسیس کرد. این گرمخانه فقرا را در شب‌های سرد پذیرائی می‌کرد تا آسوده باشند. این اقدام خیرخواهانه حاج ملاهاشم از سوی اصحابِ مطبوعات قدردانی شد (بهار، ۱۳۳۷ق: س۲، ش۳۳، ص۴).

شاید به جهت عدم استقبال از کمیسیون دارالایاله و به خاطر سردی هوا بود که قوام‌السلطنه دستور داد در اغلب محلاتِ شهر مشهد نقاطی را معین کنند تا فقرا را جمع‌آوری کرده و به‌وسیله بخاری‌های متعدد آن‌ها را از سرما حفظ کنند (بهار، ۱۳۳۷ق: س۲، ش۳۵، ص۲). نظمیه نیز در ربیع‌الثانی ۱۳۳۷ق/ ژانویه ۱۹۱۹م به دستور قوام‌السلطنه مشغول جمع‌آوری فقرا و استقرار آن‌ها در گرمخانه‌ها شد (بهار، ۱۳۳۷ق: س۲، ش۳۷، ص۲). قوام‌السلطنه چند روز پس از جمع‌آوری فقرا به اطفال لخت و عور، پوستینِ کمری اعطاء کرد و بعضی از آن‌ها را به کارخانه‌های قالی‌بافی فرستاد و بقیه را در نقاط معین پذیرایی نمود. روزنامه بهار از این اقدام

قوام‌السلطنه تقدیر کرد و نوشت: «منتظرند تا به‌زودی انجمن بلدی تشکیل‌شده و وسایل جمع‌آوری دائمی فقرا تهیه شود» (بهار، ۱۳۳۷ق: س۲، ش۳۸، ص۲).

قوام‌السلطنه در زمستان ۱۳۳۷ق/۱۹۱۹م به تلاش ادامه داد. یکی دیگر از اقدامات مؤثر قوام‌السلطنه در این زمینه، برگزاری انتخابات بلدیه بود. اعضای بلدیه که باید نقش مهمی در رفع بحرانِ قحطی ایفا می‌کردند پس از انتخابات، مشغول تشکیل جلسه شدند تا راجع به نیازهای بلدیه مذاکره کنند. در زمستان ۱۳۳۷ق/ ۱۹۱۹م اعلام شد، مجمعی راجع به حوائج بلدی از طرف مبعوثان بلدیه تشکیل‌شده و مطابق تصمیم آن‌ها اعلانی نیز منتشر شد (بهار، ۱۳۳۷ق: س۲، ش۳۷، ص۲). باوجود این تلاش‌ها، کارشکنی‌های تولیت آستانه درباره محل استقرار دارالعجزه در سال بعد، موانعی برای تداوم آن فعالیت ایجاد کرد. تولیت آستانه در ۷ جمادی‌الثانی ۱۳۳۸ق/۱۹۱۹م طی نامه‌ای به ریاست بلدیه مشهد خبر عدم واگذاری منزل موردنظر برای ایجادِ دارالعجزه را اعلام نمود، زیرا باوجود تخلیه این منزل آن را برای امر مهم‌تری لازم داشتند و پیشنهاد شد بلدیه محل دیگری برای دارالعجزه تدارک ببیند (ساکماق، شماره بازیابی: ۱۱۱۲۹۸، ص۱). رئیس بلدیه در پاسخ به این خبر تلاش کرد تولیت آستانه را از این اقدام منصرف کند و یادآور شد، این موسسه خیریه به همت عالیه حضرت‌عالی دایر گردیده و ماهی بیست‌وپنج تومان از کیسه تولیت و بیست‌وپنج تومان هم از طرف آستانه به صندوق آن واریز می‌گردد که آن مبلغ هم در غیاب تولیت از طرف جانشینش مساعدت نشد. فقط همین منزل به دارالعجزه واگذار شده بود که ماهی پانزده تومان کرایه آن دریافت نمی‌شد که حالا دستور داده‌شده محل آن را تخلیه کنند (ساکماق، شماره بازیابی: ۱۰۵۲۴۷، ص۲).



نامه تولیت آستان قدس به رئیس بلدیه مشهد در رابطه با عدم واگذاری محل دارالعجزه (ساکماق، شماره بازیابی: ۱۱۱۲۹۸/۱).

علاوه بر فعالیت‌های برخی از دولتمردان در جهت زدودنِ فقر و رفع بحرانِ قحطی از مشهد، گروهی از اصناف مشهد نیز با ایجاد دارالمساکین کمک‌های شایان‌ذکری برای دستگیری از فقرا و تهیدستان در سال‌های قحطی در مشهد انجام دادند. از میان اصناف مشهد، صنف بزاز به‌طور مشخصی واردِ گعده کمک‌رسانی به فقرا شد. صنف بزاز در اواخر صفر ۱۳۳۶ق/۱۹۱۸م برای جمع‌آوری بخشی از جمعیت فقرا، کمیسیون ۷ نفره‌ای تشکیل داد. در این کمیسیون قرار شد یک دارالمساکین برای دستگیری از ۵۰ نفر از فقرا و تهدیستانِ مشهد تأسیس کنند. میرزا احمد طهرانی با تصمیم کمیسیون مزبور به‌عنوان مدیر دارالمساکین انتخاب شد. دارالمساکین صنف بزاز در کوچه سرشور برقرار شد. عمده کمک‌های صنف بزاز، تهیه پوستین، پیراهن، شلوار، سوخت و سایر مایحتاج برای فقرا و نیازمندان بود. اعانه نگهداری فقرا در دارالمساکین صنف بزاز به‌طور ماهیانه از طرف بزازخانه‌های مشهد پرداخت می‌گردید (شرق ایران، ۱۳۳۶ق: س۳، ش۱۵، ص۴).

هیئت خیریه آذربایجانی‌ها

آذربایجانی‌ها از گروه‌های عمده مهاجر در مشهد بودند که در روزهای سخت قحطی، «هیئت خیریه آذربایجانی‌ها» را تشکیل دادند. برخی از تجار آذربایجانی مقیم مشهد ازجمله حاجی رستم آقای قراباغی، حاج عبدالحسین آقای زوار، حاج یوسف وهاب اوف، حاج هاشم آقا تبریزی، یوسفعلی آقا سلماسی، حاجی ابوالقاسم آقا رضایوف، اسماعیل آقا انتیقچی، جلیل آقا خامنه، محمدجعفر آقا میلانی، علی آقا انتیقچی، اسماعیل سیگاری، مشهدی وهاب تبریزی، یوسف تبریزی مشهور به سرخسی، محمدتقی دستمالچی، مشهدی عبدالله تاجرباشی، غلامحسین باقرزاده، حاج شیخ رضا اردبیلی، مشهدی کاظم خامنه، حاجی محمد آقا سلماسی، محمدصادق آقا تبریزی، حاجی ابوالقاسم آقا مغازه، مشهدی زین‌العابدین اسکوئی، حاجی ملا محمود خوئی، ابوالقاسم آقا حسین‌اف، آقا مشهدی محمدحسین صراف در صفر ۱۳۳۶ق/۱۹۱۸م اقدام به تأسیس خیریه‌ای بنام هیئت خیریه آذربایجانی‌ها کردند. هیئت آذربایجانی‌ها درصدد جمع‌آوری اعانه برآمد تا افراد نیازمند از سادات و دیگر مستمندان که نمی‌توانستند اظهار عسرت نمایند را با پرداخت اعانه دست‌گیری نمایند. تجار آذربایجانی مبلغ ۳۵۰۰ تومان به‌عنوان اعانه در اختیار هیئت خیریه آذربایجانی‌ها برای کمک به مستمندان قرار دادند (شرق ایران، ۱۳۳۶ق: س۳، ش۲۱، ص۲). روزنامه شرق ایران اقدامات نوع‌پرستانِ آذربایجانی‌ها را ستود و عموم تجار و اهالی را در همراهی با این هیئت دعوت نمود تا نتیجه اقدامات و اسامی اعانه‌دهندگان را به اطلاع عموم رساند (شرق ایران، ۱۳۳۶ق: س۳، ش۱۶، ص۲). هدف اصلی از تشکیل «هیئت خیریه آذربایجان» جمع‌آوری اعانه برای دست‌گیری از اشخاص بی‌بضاعت بود که موقعیت اجتماعی آنان اجازه نمی‌داد تکدی کنند و به مردم مزاحمت دهند (شرق ایران، ۱۳۳۶ق: س۳، ش۲۱، ص۲).

مؤسسات خیریه خارجی

خارجی‌های مقیم مشهد ازجمله قفقازی‌ها، میسیون‌های مذهبی آمریکایی و انگلیسی‌ها در همدلی و همراهی با مردم قحطی‌زده و برای رفع بحرانِ قحطی در مشهد فعالیت‌های خیرخواهانه انجام دادند.

اقدامات قفقازی‌ها

قفقازی‌های مقیم مشهد که گروهی بانفوذ بودند با تأسیس کمیته‌های اجرائیه قفقازی‌های مقیم مشهد و هیئت هوسکاران قفقازی در مشهد تلاش کردند تا با امور خیریه در رفعِ بحران قحطی در مشهد مؤثر واقع شوند.

کمیته اجرائیه قفقازی‌های مقیم مشهد

با وقوع انقلاب اکتبر در روسیه و فقدان والی خراسان و اداره بلدیه، وضعیت اتباع روسی مقیم مشهد نیز دگرگون شد. در این شرایط بحرانی برای کاهش اثرات منفی قحطی در مشهد تشکیلات مردمی جدیدی از طرفِ مهاجران قفقازی در مشهد شکل گرفت که «کمیته اجرائیه قفقازی‌های مقیم مشهد» از آن جمله بود. اگرچه یکی از علل تشکیل کمیته اجرائیه قفقازی‌ها کمک به آسایش فقرای قفقازی مشهد بود ولی علل دیگری نظیر بروز انقلاب روسیه نیز بر آن مؤثر بود. کمیته اجرائیه قفقازی‌ها با انتخاب آقا میر مرتضی موسوی، دکتر ابوالفتح‌خانِ نصیر بیگوف، آقا میرعزیز محمداف، میرزا علی‌آقا ایروانی و میرزا اسد علیزاده صادق‌اف در اواخر ذیحجه ۱۳۳۵ق/۱۹۱۷م از سوی قفقازی‌های مقیم مشهد، رسماً فعالیت خود را آغاز کرد (شرق ایران، ۱۳۳۵ق: س۳، ش۲، ص۳). یکی از اولین اقدامات کمیته اجرائیه قفقازی‌ها در این ایام، کمک به آسایش فقرای قفقازی مقیم مشهد بود و تصمیم گرفتند برای آسایش هم‌وطنان خود یک دربند دکان خبازی مخصوص بازکرده، نان را به قیمت معینی بفروشند. روزنامه شرق ایران این اقدام قفقازی‌ها را ستود و آن را به معنی واقعی «نوع‌پرستی» معرفی کرد (شرق ایران، ۱۳۳۶ق: س۳، ش۱۳، ص۲). اقدام ابتکاری دیگر کمیته اجرائیه قفقازی‌ها در این زمینه چاپ بلیت‌های (کوپن) مخصوص برای فقرای قفقازی بود که به‌وسیله آن می‌توانستند نان را هر یک‌من، دو قران دریافت کنند (شرق ایران، ۱۳۳۶ق: س۳، ش۱۷، ص۱). این اقدامات انسان‌دوستانه کمیته، واکنش-های داخلی نیز به دنبال داشت. در این راستا، از سوی مدیر خبازخانه مشهد از ارزان‌فروشی نان توسط نانوایی به قفقازی‌ها انتقاد شد (شرق ایران، ۱۳۳۶ق: س۳، ش۲۵، ص۴). ولی قفقازی‌ها در۱۰بهمن (ذیقعده) ۱۳۳۶ق/۱۹۱۸م هدف خود را آسایش و رفاه فقرا اعم از قفقازی و غیره اعلام کردند (شرق ایران، ۱۳۳۶ق: س۳،

ش۲۷، ص۲). علاوه بر این، کمیته اجرائیه قفقازی‌ها برای کمک به فقرا، از جشن‌های ملی مانند نوروز باستانی استفاده کردند. آن‌ها در این راستا تصمیم گرفتند هزینه‌های نوروز سال ۱۳۳۶ق/۱۹۱۸م را به نفع فقرا جمع‌آوری نماید (شرق ایران، ۱۳۳۶ق: س۳، ش۳۴، ص۲). کمیته اجرائیه قفقازی‌ها یک انسجام درونی بین این مهاجران در مشهد ایجاد کرد که مهم‌ترین هدفش رفع مشکل قحطی و گرانی بود.

هیئت هوسکاران قفقازی

بخش دیگری از فعالیت قفقازی‌های مقیم مشهد جهت کمک به فقرا از طریق اجرای برنامه‌های هنری و تئاتر انجام گرفت که این‌گونه اقدامات خیریه، تأثیرگذار بود. قفقازی‌های مشهد «صندوق جمعیت خیرین قفقازیان مشهد» را تأسیس کرده بودند که درآمد کسب‌شده از آن طریق را صرف امور خیریه می‌کردند. تئاترهای قفقازی نیز توسط «هیات هوسکاران قفقازی» به اجرا درمی‌آمد. تئاتر «اوالماسون-بوالسون» یعنی «او نباشد این باشد» نوشته عزیزبیك حاجینسکی، از اولین نمایش‌های هیات هوسکاران قفقازی بود که در روز یکشنبه ۸ جمادی‌الاول ۱۳۳۶ق/ مارس ۱۹۱۸م به همت عده‌ای از جوانان قفقازی به نمایش گذاشته شد و قرار بود عواید آن پس از وضع مخارج به «صندوق جمعیت خیرین قفقازیان مشهد» تحویل داده شود (شرق ایران، ۱۳۳۶ق: س۳، ش۳۲، ص۴). هیئت جوانان قفقازی پس از نمایش تئاتر اعلام کرد، عوایدِ حاصل از این تئاتر پس از وضع مخارج به «صندوق جمعیت خیرین قفقازیان مشهد» تحویل داده خواهد شد. این تئاتر که مورد استقبال عمومی قرار گرفت در ۸ جمادی‌الاول ۱۳۳۶ق/ ۱۹۱۸م یک‌بار دیگر به نمایش گذاشته شد و جوانان قفقازی اعلام کردند عایدی آن پس از وضع مخارج کماکان به «صندوق جمعیت خیریه قفقازیان مشهد» برای پرداخت اعانه فقرا تقدیم خواهد شد. در این آگهی برای تشویق عمومی و افزایش درآمدها، اعلام شده بود «مسلم است که خیرخواهان به خریدن بلیط‌های این نمایش عالی مبادرت کرده و از مساعدت با فقرا خودداری نخواهند نمود» (شرق ایران، ۱۳۳۶ق: س۳، ش۳۲، ص۴). اگرچه هدف اصلی از نمایش این تئاترها جمع‌آوری کمک‌های خیریه بود از بهار ۱۳۳۷ق/۱۹۱۸م که مشکلات اقتصادی و گرسنگی در مشهد کمی کاهش یافت، هیئت قفقازی‌های اهداف خیریه خود را به‌سوی امور بهداشتی سوق داد و نمایشنامه «آرشین مال آلان» را به اجرا درآوردند تا عواید آن را صرف خرید لوازم طبی و جراحی دارالشفاء آستانه کنند (بهار، ۱۳۳۷ق: س۲، ش۶۳، ص۱).

اقدامات میسیون آمریکایی

میسیونرهای آمریکایی یکی دیگر از گروه‌هایی بودند که با بروز قحطی در مشهد، فعالیت‌های خیریه خود را برای رفع آن افزایش دادند. سابقه حضور آنان در مشهد نیز هم‌زمان با جنگ اول جهانی بود. گزارش‌های موجود نشان می‌دهند میسیونرهای مذهبی آمریکایی نخستین بار در ۱۳۳۴ق/۱۹۱۵م برای درمان بیماران در کوچه ارگِ مشهد مریض‌خانه‌ای تأسیس کردند (مدرس‌رضوی، ۱۳۸۶: ۱۶۵) که در آن شرایط تا حدودی از مرگ و میر بیماران در مشهد کاسته شد. دکتر کوك[2] و همسرش از پزشکان آمریکایی بودند که از طرفِ مسیون آمریکایی در ۱۳۳۵ق/۱۹۱۶م به‌طور موقت برای انجام خدمات پزشکی به مشهد اعزام شدند. اما، آن‌ها سال بعد مشهد را ترك کردند و جای خود را به دکتر هوفمان[3] دادند. هوفمان از پزشکان آمریکایی بود که برای مدت طولانی در مشهد زندگی کرد (الدر، ۱۳۳۳: ۷۵). بااین‌حال، شروع رسمی فعالیت‌های خیریه آمریکایی‌ها در ایران، در پی پیشنهاد ایران مبنی بر درخواست وام یک‌میلیون تومانی بود. طبق تلگراف کالدول[4] در ۱۷ آوریل ۱۹۱۸م /۱۳۳۶ق قرار بود کل این مبلغ به‌طور گسترده برای برطرف کردن قحطی و زیر نظر وی به کار گرفته شود. اما قوانین آمریکا پرداخت وام را تنها برای کشورهایی مجاز می‌دانست که درگیر جنگ با آلمان بودند، لذا برای رعایت این قوانین، دولت امریکا انجمن‌های خیریه را تشویق کرد تا جایی که امکان دارد برای بهبود اوضاع ناگوار ایران کمک کنند. این اقدامات با

2. Cook

3. Hoffman

4.Caldwell

مدیریت کمیته‌های موسوم به کمیته امدادرسانی ایران متشکل از میسیونرهای آمریکایی مقیم و ایرانیان سرشناس انجام می‌گرفت. کالدول همچنین خبر داد تمام منابع مالی دریافت شده برای کمک‌رسانی به ایران از آمریکا ارسال‌شده و تاکنون مبلغ چهارصد و سی‌وپنج هزار دلار رسیده است. وی تردیدی نداشت که پس از این، مبالغ بیشتری برای کمک به ایران در قالبِ امور خیریه ارسال خواهد شد. طبق گزارش کالدول با کمک میسیونرهای آمریکایی در مشهد، همدان و کرمانشاه کمک به فقرا در حال انجام بود. گزارش او نشان می‌دهد در شهرهای مشهد و همدان کمک‌رسانی در مقیاس گسترده‌ای انجام گرفته است تا جایی که روزانه در حدود نه هزار نفر از فقرا و مستمندان اطعام می‌شدند (مجد، ۱۳۸٦: ۲۰۰-۱۹۹).

میسیون آمریکایی مشهد گزارش‌های مفصلی از وضعیت قحطی و کمبود مواد غذایی ارائه داده است که در جلب کمک‌های خیریه آمریکایی‌ها مؤثر بود. نشریه نی‌یرایست چاپ لندن در شماره ۱۲ آوریل ۱۹۱۸م/ رجب ۱۳۳٦ق ضمن تهیه گزارشی از مشهد به توصیف اوضاع در نوامبر ۱۹۱۷م/ محرم ۱۳۳٦ق پرداخت. کالدول در مقاله ارسالی خود با عنوان «اوضاع در شمال شرق ایران» مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۱۷م/ محرم ۱۳۳٦ق نوشته است: «گمان می‌کنم دولت‌های بزرگ معمولاً در زمان جنگ درگیر کارهای بشردوستانه نمی‌شوند. بااین‌حال گاهی اوقات می‌شنویم که چنین می‌کنند. اگر انگلیسی‌ها تنها نوعی تجارت را برای تسهیل انتقال کالا از هند به خراسان و تا مشهد راه بیندازند، نه‌تنها عملی انسان‌دوستانه است، بلکه سود سرشاری نیز دربر خواهد داشت» (مجد، ۱۳۸٦: ۷۲-۷۰). گزارش‌های پدر روحانی، ال.اف.اسلتین[5]، یکی از اولین میسیونرهای آمریکایی فعال در مشهد نشان می‌دهد: درژانویه ۱۹۱۸م/۱۳۳٦ق مردم فقیر مشهد به دلیل کمبود غذای روزانه به‌شدت در رنج هستند و آمریکایی‌ها با شرایطی که داشتند تنها تعداد کمی از آن‌ها را هر روز ظهر با پولی که در اختیار داشتند، اطعام می‌کردند (مجد، ۱۳۸٦: ۷۰). اقدامات خیریه میسیون‌های آمریکایی معطوفِ به شرقِ ایران و مشهد نبود چراکه طبقِ تلگراف شولِر، دبیر کمیته امداد آمریکا در ایران در ۱٦ مارس ۱۹۱۸م/ ذیقعده ۱۳۳٦ق به نیویورک: روزانه، حدود بیست هزار نفر از فقرای تهران توسط میسیون‌های آمریکایی اطعام می‌شدند و دامنه اقدامات شامل همدان، قزوین، کرمانشاه و سلطان‌آباد نیز می‌شد (مجد، ۱۳۸٦: ۴۸). به‌هرحال، دولت آمریکا از نیمه اول قرن نوزدهم اهداف استعماری‌اش را همانند روسیه و انگلستان در ایران آشکار نکرده بود. آمریکایی‌ها در دوره قاجار همواره نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را از طریق گروه‌های تبشیری، میسیون‌های مذهبی، خدمات پزشکی و فعالیت‌های خیرخواهانه در سرتاسر ایران گسترش می‌دادند. همین کمک‌های خیریه آمریکایی‌ها در قالب فعالیت میسیون‌های مذهبی در زمان جنگ اول جهانی و قحطی خراسان بود که بر محبوبیت آنان در مشهد افزود و به‌تدریج زمینه ایجاد درمانگاه، مدرسه و کلیسا را در یک دهه بعد فراهم کرد، بدونِ آنکه دولتمردان و مردم نسبت به اهدافِ استعماری آمریکایی‌ها آگاهی درستی داشته باشند.

اقدامات کنسولگری انگلیس

انگلیسی‌ها با اشغال نظامی خراسان در ایجاد بحران قحطی مؤثر بودند، ولی پس از تثبیت موقعیت خود اقدامات خیرخواهانه‌ای در مشهد شروع کردند. انگلیسی‌ها در این زمینه به متکدیان و فقرا نان و غذا می‌دادند. روزنامه شرق ایران در زمستان۱۳۳٦ق/ ۱۹۱۸م گزارش داد همه‌روزه از طرف کنسولگری دولت بریتانیا مقیم مشهد مقداری نان به ارباب تکدی مشهد داده می‌شود و گدایان برای اخذ نان در پشت درب کنسولگری مجتمع شده مأمورین دولت بریتانیایی را دعا می‌کنند. بنا به نوشته این روزنامه، انگلیسی‌ها علی‌الظاهر این اقدام را به‌عنوان نوع‌پرستی و ترحم به حال فقرا انجام می‌دادند و این امر برای وطن‌پرستان واقعی خوشایند نبود. به همین جهت روزنامه شرق ایران در انتقاد از این اقدام نوشت: «خداوند حس و تعصبی بما مردم ایران عنایت بفرماید تا فقرای خود را نگهداری کرده تن زیر این‌گونه بارهای ننگ‌آور ندهیم» (شرق ایران، ۱۳۳٦ق: س۳، ش۳۴، ص۲). اقدام خیریه انگلیسی‌ها اثرات منفی نیز به

5. L.F. Esseltyn

دنبال داشت. امری که عمدی یا غیرعمدی بودن آن مشخص نبود، ولی چنان مشهود بود که روزنامه شرق ایران به آن اشاره کرد و درباره آن نوشت: «مردم پس از اینکه از کنسولگری انگلیس برمی‌گردند در مسیر راه در بازار از مغازه‌ها هرچه سر راهشان هست برمی‌دارند» (شرق ایران،۱۳۳٦ق: س۳، ش۳۴، ص۲). در گزارش دیگری که باید با تردید به آن نگاه کرد، آمده است که سرهنگ دوم ویلیام جورج گری،[6] سرکنسول انگلیس (۱۹۲۱-۱۹۱٦م) در اواخر سال ۱۳۳٦ق/۱۹۱۸م روزانه حدود شش هزار نفر از ساکنین مشهد را غذا و خوراک می‌داد (مابرلی، ۱۳٦۹: ۴۰۲).

بعد از ورود قوای نظامی انگلیس به مشهد هنوز قحطی بر شهر حاکم بود. الیس در اواخر سال ۱۳۳٦ق/ ۱۹۱۸م از شیوع فقر، گرسنگی و مرض در شهر یادکرده و یادآور می‌شود؛ اگرچه وضع غذایی در سراسر ایران بد بود ولی نسبت به زمستان گذشته که قحطی بسیاری از نقاط شمالی و غربی ایران را دربرگرفت، بهبود حاصل شده است. الیس به کمک‌های غذایی تحت نظارت ارتش نیز اشاره‌کرده که هیات مالسون مقادیر معتنابهی مواد غذایی فراهم آورد تا در میان اهالی تقسیم کند. امر تقسیم این مواد را نیروهای نظامی بر عهده داشتند. الیس علت سپردن این عمل به عهده ارتش را نیز توضیح داده که در کشورهای شرقی هنگامی‌که کمک‌رسانی از طریق عوامل محلی انجام می‌گیرد، بسیاری از تدارکات مزبور حیف و میل می‌گردد (الیس، ۱۳۷۲: ۱۷۳). افزون بر این، با خروج نیروهای روسیه از ایران پس از انقلاب اکتبر روسیه، انگلیسی‌ها دنبال محکم کردنِ جای پای خود در ایران بودند. اقدامات خیریه کنسولِ انگلیس در مشهد را نیز در این راستا می‌توان بررسی کرد. انگلیسی‌ها برای نفوذِ بیشتر در بین مردمِ ایران پس از عملیات نظامی و تثبیت موقعیتشان، با کمک‌های بشردوستانه و فعالیت‌های خیریه ازجمله تقسیم غذا در بین مردمِ قحطی‌زده بیشتر شهرهای ایران به‌ویژه مردم مشهد، تلاش‌های زیادی انجام می‌دادند که اطعامِ روزانه شش هزار نفر از فقرای مشهد نمونه‌ای از آن اقدامات بود.

مؤسسات خیریه داخلی و خارجی در مشهد در زمان جنگ اول جهانی

مؤسسات خیریه داخلی	۱. دارالعجزه (۱۳۳۲-۱۳۳٦ق)	حاج سیدجواد ظهیرالاسلام (تولیت آستان قدس)، عبدالکریم محقق‌الدوله (کارگزار خراسان)، میرزا عزیزالله کفائی رضوی، معتمدالوزاره (رئیس پست خراسان) از شخصیت‌های مهم و مؤسسین دارالعجزه در مشهد بودند. هدف از تأسیس دارالعجزهٔ مشهد ارائه خدمات فوری به فقرا و مستمندان در زمان قحطی، ایجاد سرپناه برای حفاظت از سرما و رفع گرسنگی بود. دارالعجزه مشهد به دلایلی ازجمله کمبود منابع مالی، زمان‌بَر بودنِ تأسیس آن و نبودِ زمینی مناسب برای احداث ساختمانِ دارالعجزه در سال ۱۳۳٦ق مسکوت ماند.
	۲. دارالمساکین (۱۳۳۵-۱۳۳٦ق.)	آیت‌الله زاده، معتمدالوزاره (مدیر دارالمساکین مشهد)، قوام‌السلطنه، حاج ملاهاشم تبریزی، میرزا احمد طهرانی (از صنف بزازهای مشهد و مدیر دارالمساکین صنف بزاز) از مؤسسین دارالمساکین در مشهد بودند. آن‌ها باهدف جمع‌آوری فقرا و ایتامِ مشهد و ایجاد سرپناه (گرمخانه) در زمان قحطی مشهد درزمان جنگ اول جهانی اقدام به تأسیس دارالمساکین کردند. در دارالمساکین به هر یک از فقرا در طی شبانه‌روز نان، آش و کشمش برای تغذیه می‌دادند.
	۳. هیئت خیریه آذربایجانی‌ها (۱۳۳٦ق.)	گروهی از آذربایجانی‌های مقیم مشهد ازجمله تجار آذربایجانی (حاجی رستم آقای قراباغی، حاج عبدالحسین آقای زوار، حاج یوسف وهاب اوف، حاج هاشم آقا تبریزی، یوسفعلی آقا سلماسی، جلیل آقا خامنه، محمدجعفر آقا میلانی، مشهدی وهاب تبریزی، یوسف تبریزی حاج شیخ رضا اردبیلی، مشهدی کاظم خامنه، حاجی محمد آقا سلماسی، محمدصادق آقا تبریزی، مشهدی زین‌العابدین اسکوئی، حاجی ملا محمود خوئی و غیره) با جمع‌آوری اعانه برای دست‌گیری از فقرا و مستمندان اقدام به تأسیس هیئت خیریه آذربایجانی‌ها کردند.

6. Colonel William George Grey

مؤسسات خیریه خارجی	۱. قفقازی‌های مقیم مشهد	۱. کمیته اجرائیه قفقازی‌های مقیم مشهد: مهاجران قفقازی مشهد برای کمک به آسایش فقرای قفقازی کمیته اجرائیه قفقازی‌ها را در سال ۱۳۳۶ق/۱۹۱۷م در مشهد تأسیس کردند. کمیته مزبور باهدف زدودنِ آثار قحطی و گرانی در مشهد خبازخانه‌ای تأسیس کرد و نان را باقیمت ارزان در اختیار فقرای قفقازی قرار می‌داد.
		۲. هیئت هوسکاران قفقازی: گروهی از قفقازی‌های مشهد باهدف کمک به فقرای قفقازی، هیئت هوسکاران قفقازی را در سال ۱۳۳۶ق/۱۹۱۷م تأسیس کردند. هیئت هوسکاران قفقازی عواید حاصل از فعالیت‌های هنری‌شان را در زمان جنگ اول جهانی برای کمک به فقرای قفقازی و خرید لوازم پزشکیِ دارالشفاء آستان قدس اختصاص می‌دادند.
	۲.میسیون‌های آمریکایی	میسیون‌های آمریکایی از سال ۱۳۲۴ق فعالیت‌های خیریه خود را با افتتاح مریضخانه در مشهد آغاز کردند. آمریکایی‌ها همچنین برای رفع بحرانِ قحطی در مشهد روزانه وعده‌های غذایی بین فقرا تقسیم می‌کردند.
	۳. کنسولگری انگلیس	کنسولگری انگلیس در سال ۱۳۳۶ق در زمان جنگ اول جهانی روزانه مقادیر زیادی نان و غذا برای رفع بحرانِ قحطی در بین فقرا و مستمندانِ مشهد تقسیم می‌کرد.

(مأخذ: نگارندگان)

اهداف مؤسسات خیریه در مشهدِ زمان جنگ اول جهانی

با وقوع جنگ اول جهانی و بروز قحطی در مشهد، گروه‌های مختلف داخلی و خارجی که شاهد وضعیت بحرانی مردم بودند، متناسب با امکانات موجود اقداماتی برای کاهش آلام قحطی‌زدگان و گرسنگان انجام دادند که ایجاد مؤسسات خیریه یکی از این اقدامات بود. هدف غایی مؤسسات خیریه داخلی که به‌وسیله برخی از متمولین، منورالفکران و علماء مشهد در زمان جنگ اول جهانی تشکیل شده بود، پرداخت اعانه جهت خرید نان، غذا، پوشاک و تهیه سرپناه برای فقرا و مستمندانِ مشهد بود. تا از آن طریق بتوانند مردمی که دچار قحطی شده بودند را از مرگ‌ومیر نجات دهند. مؤسسات خیریه خارجی که شامل هیئت مهاجران قفقازی (کمیته اجرائیه قفقازی‌ها و هیئت هوسکاران قفقازی) مسیونرهای آمریکایی و کنسولگری انگلیس می‌شد با روش‌های مختلف و با توجه به امکانات خود به مردم قحطی‌زده مشهد کمک کردند. مهاجران قفقازی در دو بعد اجتماعی و فرهنگی فعالیت‌های خود را پیش می‌بردند. در بُعد اجتماعی، برخی از فعالان سیاسی و اقتصادی قفقازی با پرداخت اعانه، احداث خبازخانه و تهیه دارو برای فقرا و مستمندان قفقازی در مشهد سعی می‌کردند مانع از تکدی‌گری همنوعان و مهاجران قفقازی شوند. مهاجران قفقازی مشهد در ابعاد فرهنگی نیز با برگزاری تئاترهای موردنظرشان علاوه بر ترویج فرهنگ و آداب و رسوم خودشان در بین مردم مشهد با کسب درآمد از راهِ اجرای نمایش‌نامه‌ها و کمک به فقرا و مستمندانِ مسلمانِ قفقازی به رفع بحران قحطی در مشهد یاری رساندند. مسیونرهای آمریکایی مقیم مشهد نیز در رفع بحران قحطی مشهد مؤثر بودند. آنان که باهدف تبلیغ مسیحیت به مشهد آمده بودند از راه‌های مختلف به فعالیت تبلیغی خود وارد شدند. ابتدا از طریق ارائه خدمات پزشکی، مریض‌خانه‌ای تأسیس کردند و در زمان بروز قحطی مشهد تلاش کردند با همکاری مالی دولت آمریکا از طریق پرداختِ اعانه برای غذا و خدمات پزشکی به فعالیت بپردازند، هرچند که هدف غایی آن‌ها ترویج مسیحت و نفوذ فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در جامعه ایران بود. کنسولگری بریتانیا یکی دیگر از مؤسسات خارجی فعال در زمان جنگ اول جهانی در مشهد بود. کنسولگری دولت انگلیس پس از سقوط روسیه تزاری یکی از مهم‌ترین کنسولگری‌های فعال در مشهد بود که با حذفِ رقیب دیرینه‌اش در زمینه‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی ایران به قدرتی بلامنازع تبدیل شد. این کنسولگری که با تأمین مایحتاج نیروی نظامی کمربندی شرقی از طریق خالی کردنِ انبارهای غله خراسان به ایجاد بحران و کمبود مواد غذایی

دامن زده بود، با اهداف تبلیغی و نشان دادن وجهه انسانی کمک به نیازمندان و فقرا را در مشهد در رأس امور قرار داد تا جایی که کنسولگری بریتانیا به کانون توجه نیازمندان تبدیل شده بود.

نتیجه‌گیری

هم‌زمان با جنگ اول جهانی عواملی همچون نبودِ امنیت، کمبود راه‌های ارتباطی مناسب، خشکسالی، ضعف مدیریت، احتکار و حضور نیروهای خارجی باعث کمبود مواد غذایی و بروز قحطی در بیشتر مناطق ایران ازجمله مشهد شد که طی آن مردمِ زیادی از فقر و گرسنگی جان سپردند. در مشهد ناتوانی دولت و حکومت محلی در مدیریت بحران قحطی یکی از علل اصلی شکل‌گیری مؤسسات خیریه داخلی مانند دارالعجزه و دارالمساکین در سطح شهر بود. ضعف ساختار سیاسی و اداری باعث شد برای مقابله با بحرانِ قحطی، گروه‌های اجتماعی ازجمله تجار آذربایجانی مقیم مشهد با پرداخت اعانه، به‌طور مستقل به اقداماتی برای رفع نیازهای اولیه فقرا در مشهد پرداختند، هرچند که فعالیت‌های افراد و گروه‌های مستقل نیز با مشکلات زیادی مواجه می‌شد. تشکیل دارالعجزه و دارالمساکین در مشهد از دیگر اقدامات مهم اجتماعی بود که در ۱۳۳۴ق به همت خیّرین و دولتمردانی نظیر ظهیرالاسلام (متولی آستان قدس) و محققالدوله (کارگزار خراسان) شکل گرفت، هرچند طولِ عمر این نوع از مؤسسات در مشهد به دلیل مخارج زیاد و زمان‌بر بودنِ احداثِ ساختمان چندی نپایید. عمده‌ترین خدماتی که در دارالعجزه به فقرا و مستمندان ارائه می‌شد، تهیه سرپناه، ارائه وعده‌های غذایی و تهیه پوشاک بود. با انتصاب قوام‌السلطنه به‌عنوان والی خراسان در اوایل سال ۱۳۳۷ق/۱۹۱۸م امنیت به خراسان و مشهد بازگشت و ارائه خدمات خیریه در قالب مؤسساتی مانند دارالمساکین رسمیت بیشتری یافت. او با برگزاری انتخابات بلدیه تلاش کرد کمک‌های خیریه در قالبِ نهادی رسمی و مردمی نقش پررنگی در کنترل بحران قحطی داشته باشد. دارالمساکین که به‌طور مقطعی و بیشتر در فصولِ سردِ سال شکلِ رسمی به خود می‌گرفت، با جمع‌آوری فقرا، ارائه وعده‌های غذایی، ایجاد گرمخانه و اعزام برخی از کودکان فقیر به کارگاه‌های قالی‌بافی در رفعِ آثارِ قحطی از چهرهٔ آن دست از مردمِ نیازمندِ مشهد که با مشکلات اقتصادی و معیشتی مواجه بودند، نقش مهمی ایفا کرد. علاوه بر مؤسسات داخلی، برخی از مؤسسات خارجی در مشهد در زمان جنگ اول جهانی اقدام به فعالیت‌های خیریه در راستای زدودنِ آثار قحطی از چهره شهر کردند. در این بین می‌توان به فعالیت مهاجران قفقازی مقیم مشهد در قالبِ کمیته اجرائیه قفقازی‌ها، صندوق جمعیت خیرین قفقازیان مشهد و هیئت هوسکاران قفقازی اشاره کرد. قفقازی‌های مقیم مشهد با احداث خبازخانه و جمع‌آوری اعانه از طریق اجرای نمایش، ارائه وعده‌های غذای به فقرا به‌ویژه فقرای قفقازی و تهیه لوازم و تجهیزات پزشکی، نقش مهمی در رفع گرسنگی و کاهشِ بحرانِ قحطی در مشهد ایفا کردند. افزون بر مهاجران قفقازی مقیم مشهد، میسیون‌های مذهبی آمریکایی که از اوایل قرن نوزدهم با کمک‌های خیریه نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را در ایران دنبال می‌کردند، با احداث مریض‌خانه، اعزام پزشک به مشهد، ارائه خدمات پزشکی و اطعامِ بخشِ عمده‌ای از فقرا و مستمندان در اغلب شهرهای ایران ازجمله مشهد در زمانِ جنگ اول جهانی، کمک‌های خیریه شایان توجهی انجام دادند. بااینکه کمک‌های کنسولگری انگلیس از نگاهِ برخی مطبوعات مایه تأسف گروهی از میهن‌دوستان شده بود، فعالیت‌های انسان دوستانه‌اش را در قالب تقسیم نان و غذا در میان حدود شش هزار نفر از فقرا و مستمندانِ مشهد انجام می‌داد تا به رفع گرسنگی و قحطی حاصل از کمبود نان، گندم و سایر اقلام ضروری مدد رساند. توجه به این موضوع مهم است که هرچند اقدامات خیریه و بشردوستانه آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها در مشهد با استقبالِ مردم مواجه شده بود، اما می‌بایست فعالیت آن‌ها را در قالب نفوذِ نرم در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی مورد ارزیابی قرار داد.

فهرست منابع

۱. الدر، جان. (۱۳۳۳). *تاریخ میسیون آمریکائی در ایران*. ترجمه سهیل آذری. تهران: نورجهان.

۲. الیس، سی. اچ. (۱۳۷۲). *دخالت نظامی بریتانیا در شمال خراسان*. ترجمه کاوه بیات. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه).

۳. ترابی، سهیلا. (۱۳۷۰). «نگاهی به وضعیت ارزاق در ایران در سال‌های جنگ جهانی اول». *گنجینه اسناد*. (شماره ۴-۳)، ۳۲-۲۴.

۴. جلالی، غلامرضا. (۱۳۸۷). **مشاهیر مدفون در حرم رضوی**. ج۳. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

۵. خلیفه، مجتبی، و علی نجف‌زاده. (۱۳۹۰). «دارالفنون رضوی ایده‌ای برای مقابله با فعالیت‌های هیات تبشیری پرس بیتریان در مشهد». *مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ*. (شماره ۸۷)، ۲۵-۹.

۶. سلیمانی، کریم. (۱۳۷۹). *القاب رجال دوره قاجار*. تهران: نشر نی.

۷. شهوازی، ستار. (۱۳۸۲). *نام‌ها و نامه‌ها، روایتی از روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاران خراسان در دوران قاجاریه*. مشهد: ایوار.

۸. عین‌السلطنه، قهرمان میرزا. (۱۳۷۸). *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*. ج۷. به‌کوشش مسعود سالور و ایرج افشار. تهران: اساطیر.

۹. قطبی، بهروز. (۱۳۷۰). *اسناد جنگ اول جهانی در ایران*. تهران: قرن.

۱۰. کاویانیان، محمد. (احتشام‌الدوله)(۱۳۵۵). *شمس الشموس یا تاریخ آستان قدس*. مشهد: آستان قدس.

۱۱. گلشن آزادی، علی‌اکبر. (۱۳۷۳). *صدسال شعر خراسان*. به کوشش احمد کمالپور. مشهد: مرکز آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی.

۱۲. *گزیده اسناد دریای خزر و مناطق شمالی ایران در جنگ جهانی اول: ۱۳۳۲ق تا ۱۳۴۰ق (۱۹۱۶-۱۹۲۴م)*. (۱۳۷۴). به کوشش محمد نادر نصیری مقدم. تهران: وزارت امور خارجه.

۱۳. مابرلی، جیمز فردریک. (۱۳۶۹). *عملیات در ایران*. ترجمه کاوه بیات. تهران: رسا.

۱۴. متولی‌حقیقی، یوسف. (۱۳۹۲). **تاریخ معاصر مشهد (پژوهشی پیرامون تاریخ تحولات سیاسی-اجتماعی مشهد از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی)**. ج۱. مشهد: مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد.

۱۵. مجد، محمدقلی. (۱۳۸٦). *قحطی بزرگ (۱۲۹۸-۱۲۹٦ش) (۱۹۱۹-۱۹۱۷م)*. ترجمه محمد کریمی. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

۱٦. مدرس‌رضوی، محمدتقی، و همکاران. (۱۳۸٦). *مشهد در آغاز قرن چهاردهم خورشیدی مشهور به گزارش مکتب شاهپور*. تصحیح و توضیح مهدی سیدی. مشهد: آهنگ قلم.

۱۷. مدرس‌رضوی، محمدتقی. (۱۳۷۸). *سالشمار وقایع مشهد در قرن‌های پنجم تا سیزدهم*. به‌کوشش ایرج افشار. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

۱۸. نظرکرده، اعظم. (۱۳۸۸). «دارالعجزه مشهد». *پیام بهارستان*. (شماره ۳)، ۲۲۷-۲۲۳.

۱۹. *سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی (ساکماق)*. شماره بازیابی سند: ۱۱۱۲۹۸/۱؛ ۱۰۵۲۴۷/۲؛ ۱، ۲/۱۰۴۸۱۴؛ ۱، ۲، ۳، ٦، ۷، ۷۲۷۴۲/۸.

۲۰. *روزنامه بهار*. (۱۳۳۷ق). شماره ۱، ۵، ۲۷، ٦، ۳۳، ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۵۹، ٦۳.

۲۱. *روزنامه چمن*. (۱۳۳۵ق). شماره ۱۵، ۲۳، ۳۹، ۵۷، ۵۸، ٦۰، ٦۱، ٦۳، ٦۴، ٦٦، ۸۴، ۸۵، ۸۷، ۹۱.

۲۲. *روزنامه رعد*. (۱۳۳۷ق): شماره ۱۴۴.

۲۳. *روزنامه شرق ایران*. (۱۳۳۵ق). شماره ۲۰.

۲۴. *روزنامه شرق ایران*. (۱۳۳٦ق). شماره ۷، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱٦، ۱۷، ۲۱، ۲۵، ۲۷، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳٦، ۴۰.